

جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: کتب تاریخ دوره دبیرستان

* عطاءالله عبدی

** مریم لطفی

E-mail: ataabdie@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱/۳۱

چکیده

یکی از ابزارهای مهمی که حکومت‌ها برای حفظ تمامیت ارضی و بقای سیاسی خود از آن سود می‌جویند، نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد بخش عمده‌ای از دوران پایه‌ریزی شخصیت و چارچوب فکری افراد جامعه را در ابعاد مختلف شکل می‌دهد و هدایت می‌کند. بنابراین، نهاد یادشده در قالب‌های مختلف، به ویژه با استفاده از کتب درسی مناسب، می‌تواند نقش برجسته‌ای در تقویت و ترویج هویت ملی هر کشوری ایفا نموده، حیات آن را تضمین کند. از آن جمله، آگاهی‌های تاریخی است که یکی از شاخصه‌های مهم هویتی ملت‌ها به شمار می‌رود. ایران با دارا بودن زمینه‌های مختلف همبستگی ملی، از معدود کشورهای تاریخی است که می‌تواند با شناساندن و تأکید بر نقاط عطف و افتخارآمیز این تاریخ، بیش از پیش برای تقویت حس ملت بودن و همگرایی ملی از آن بهره‌برد. این امر در وهله نخست بر عهده نهاد آموزش و پرورش است تا در قالب کتب درسی، به ویژه درس تاریخ به این مهم بپردازد. مقاله حاضر بر آن است تا با توجه به محتوای کتب تاریخ مقطع دبیرستان در مقام یکی از مبادی اصلی تقویت هویت ملی در ایران، به این پرسش پاسخ دهد که کتاب‌های تاریخ دبیرستان تا چه حد محتوای لازم را برای شناساندن و تقویت هویت ملی ایرانیان داراست؟ روش تحقیق، توصیفی، ابزار گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و شیوه آزمون فرضیه از نوع کیفی است. نتایج حاصل، نمودار آن است که گرایش به تقویت هویت ملی در کتب تاریخ دبیرستان ضعیف و خنثی است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، هویت ملی، آموزش و پرورش، همگرایی ملی.

* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

** کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی و دبیر تاریخ

مقدمه

کشورها برای پیدایش و بقا، نیازمند ایده‌های هستند که مردمشان به وسیله آن احساس یکی بودن کنند. این ایده همان علت وجودی است که بر اساس آن دولت‌ها، ملت‌هایشان را قانع می‌کنند تا درون یک کشور سازمان یابند؛ البته باید ملت‌ها خود به این امر رضایت داشته، به آن معترف باشند. این امر در صورتی است که علت وجودی تعریف شده با هویت آن‌ها سازگاری داشته باشد؛ به عبارت دیگر باید علت وجودی که برای ملتی تعریف می‌شود، برخاسته از فرهنگ و تاریخ آن ملت بوده، تمام اجزای آن را دربر گیرد. این مسئله امری دوسویه است؛ به این معنا که در ابتدا باید مردم به هویت خود آگاه باشند تا علت وجودی قائم به هویت ملی بتواند ایفاکننده نقش خود باشد. با این رویکرد، کشور در دو حالت از سوی نیروهای گریز از مرکز تهدید می‌شود: یکی فقدان علت وجودی قائم بر هویت ملی فراگیر، و دیگری عدم آگاهی مردم از هویت ملی خود. در این میان اهمیت ابزارها و شیوه‌های آگاهی‌بخشی به مردم روشن می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مقوله آموزش رسمی است. اهمیت آموزش رسمی در شکل دادن به ملت‌ها در دوران پس از انقلاب صنعتی به خوبی روشن است؛ زیرا دولت‌ها در مقام متولیان آموزش رسمی در کشور از این ابزار برای معرفی اصل و منشأ تاریخی (واقعی یا جعلی) ملتشان به خوبی سود برده‌اند. اهمیت این امر به حدی است که شماری از کشورها به علت نداشتن زمینه‌های تاریخی، مجبور به جعل تاریخ و دست‌اندازی به تاریخ دیگر کشورها شده‌اند.

در این میان، ایران در مقام کشوری کهن از ابزارهای مناسبی در استفاده از آموزش تاریخ برای تقویت همگرایی ملی برخوردار است. البته لازمه این امر آن است که تاریخ و هویت ایرانی به خوبی برای مردم، به ویژه جوانان معرفی شود تا هویت ملی از تبعات منفی رشد هویت‌های فراملی و فروملی در امان بماند. از این رو مقاله حاضر در پی بررسی میزان توجه به تاریخ ملی با رویکرد تقویت هویت ملی فراگیر در کتاب‌های تاریخ دوره دبیرستان کشور است. تحقیق حاضر با این پرسش آغاز شده است که: کتاب‌های تاریخ دبیرستان تا چه حد محتوای لازم را برای شناساندن و تقویت هویت ملی ایرانیان دارا هستند؟ و فرضیه مورد نظر نیز چنین است: کتاب‌های تاریخ دبیرستان از نظر محتوا و شیوه بیان، فاقد محتوای لازم برای معرفی و تقویت تاریخ و هویت ایرانی است.

نقش تاریخ در شکل‌گیری مؤلفه‌های هویت ملی

عناصر و مضامینی که در محدوده‌های جغرافیایی نمود می‌یابند و چشم‌اندازهای فرهنگی شناخته می‌شوند، ریشه در زمان دارد (جردن، و روانتری، ۱۳۸۰: ۴۲). به عبارت دیگر عناصر مادی و معنوی موجود در فضاهای جغرافیایی، حاصل تعامل انسان (متفکر و باورمند) با محیط از صافی ایدئولوژی و سیاست در بستر زمان است؛ از جمله این عناصر هویت می‌باشد. گروه‌های انسانی تحت تأثیر محیط و نظام اعتقادی و سیاسی خود و در بستر زمان برای پاسخگویی به نیازهای ویژه خویش واجد برخی باورها، رفتارها، آداب و سنن با عنوان فرهنگ می‌شوند و این عناصر فرهنگی هویت‌های جمعی آن‌ها را شکل می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۱). از این منظر، ملت هنگامی موجودیت می‌یابد که تار و پود یا پدیده‌های ترکیب‌کننده آن، یعنی نمادهای فرهنگی و روحانی ویژه آن موجود باشد. در اینجا فرهنگ عبارت است از دین، زبان، تاریخ، هنرها، ادبیات، آداب و سنن و آیین‌های کهن که زاینده زمانی طولانی و دست‌پرورده نیاکان ملت می‌باشد. از آمیزه آن نمایه و پدیده‌های فرهنگی شناسنامه‌های ملی به وجود می‌آید که در طول تاریخ ساخته و استوار شده‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۴۶). به همین دلیل می‌توان گفت که هویت امری صرفاً طبیعی نیست، بلکه چارچوبی ساخته شده و مصنوعی است که از طریق تاریخ و به وسیله «روایت» تداوم پیدا می‌کند و آن‌گاه به صورت خاطره جمعی درآمده، بعد از آن تثبیت می‌شود (معینی‌علمداری، ۱۳۸۳: ۲۵).

هویت زمانی که در قالب گروه انسانی ویژه نمود می‌یابد، موجب پیوستگی و پویایی آن اجتماع در پهنه‌های خرد و کلان سرزمینی می‌شود. در صورت وجود ظرفیت‌های لازم، آگاهی به هویت ویژه خویش موجب شکل‌گیری آرمان ارتقای جایگاه فرهنگی و سیاسی سرزمین ویژه و تشکیل کشور مستقل، یا تقویت احساس تعلق به آن در میان گروه‌های انسانی می‌شود. مقوله هویت در ارتباط با ملت، به صورت هویت ملی ظاهر می‌شود که عبارت است از مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت که اعضایش به آن خودآگاهی یافته‌اند و به واسطه آن‌ها به یکدیگر احساس تعلق می‌کنند. هویت ملی باعث تمایز ملتی از سایر ملت‌ها می‌شود و موجبات معرفی آن ملت را فراهم می‌آورد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۱۱). مهم‌ترین کارکرد ارتباط هویت مبتنی بر تاریخ و ملت، برقراری همبستگی ملی است. در این باره جردن و روانتری می‌گویند:

وحدت ملی قسمت اعظم نیروی خود را از تجربیات گذشته که همه جمعیت در آن سهیم‌اند به دست می‌آورد. به طور ایده‌آل مردم باید احساس کنند که

کشورشان وجود دارد؛ چرا که خود یا اجدادشان آگاهانه و از روی میل و خواست آن را بنیان نهاده‌اند و در برابر دشمنان از آن دفاع می‌کنند. خاطره مشترک یک جنگ استقلال طلبانه، جنگ و مبارزه علیه مهاجمان و عمل قهرمانان ملی تماماً دلایلی مبتنی بر همبستگی گروهی و در نتیجه وحدت ملی است (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

از این زاویه است که نقاط عطف تاریخی، قهرمانان ملی و اساطیر در پایه‌ریزی و تداوم همبستگی ملی اهمیت می‌یابد. میلر در این باره می‌گوید:

هویت‌های ملی نوعاً شامل عناصر قابل توجهی از اسطوره است. اسطوره‌ها در واقع بخشی از باورهای ملی هستند که در ساختن ملت نقش عمده‌ای دارند. بنابراین حذف اسطوره‌ها از زندگی عقلانی به حساب نمی‌آید. آن‌ها اطمینان خاطر فراهم می‌کنند که اجتماع ملی که اکنون پدید آمده، کاملاً ریشه در تاریخ دارد... همچنین به نظر می‌رسد ویژگی اخلاقی به واسطه پذیرش چنین اسطوره‌هایی تقویت خواهد شد و حس همبستگی و التزام افراد با هموطنانشان افزایش خواهد یافت (میلر، ۱۳۸۳: ۴۲).

در مورد مؤلفه‌های هویت ملی و میزان اهمیت آن‌ها، میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد؛ در حالی که برخی زبان را مهم‌ترین مؤلفه می‌دانند و عده‌ای فرهنگ را در جایگاه اول قرار می‌دهند، برخی نیز نگاهشان به تاریخ بوده، آن را بنیادی‌ترین مؤلفه هویت ملی بر می‌شمارند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۲). هویت ملی یک اجتماع در گرو باور مشترک و تعهد متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به قلمرو خاص و متمایز شدن از دیگر جوامع به واسطه فرهنگ خاص نمود پیدا می‌کند (میلر، ۱۳۸۳: ۳۴). هویت ملی دارای ابعاد گوناگونی است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. اجتماعی: ناظر به احساس تعلق خاطر مشترک و تعهد افراد به اجتماع؛ ۲. تاریخی: ناظر بر خاطرات رخدادها، شخصیت‌ها و فراز و فرودهای تاریخی؛ ۳. جغرافیایی: ناظر بر قلمرو سرزمینی مشخص؛ ۴. سیاسی: تعلق به نظام واحد سیاسی و ارزش‌های مشروعیت‌بخش به دولت ملی؛ ۵. دینی: اعتقاد به دین واحد؛ ۶. فرهنگی - ادبی: ناظر به سنت‌ها، اسطوره‌ها، فولکلور، معماری، هنر، زبان و ادبیات (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۲).

گروهی در میان مؤلفه‌های هویت ملی، به تاریخ اهمیت داده، آن را بنیادی‌ترین عامل می‌دانند. گذشته از این، بسیاری از مؤلفه‌های دیگر، مانند فرهنگ، زبان، آداب و رسوم و... خود از تاریخ نشئت گرفته، به نوعی می‌توان آن‌ها را فرایندی تاریخی به شمار آورد. از نظر میلر زبان، آداب و رسوم اجتماعی، تعطیلات و جشنواره‌ها، همه

رسوبات فرایندی تاریخی‌اند که دارای ویژگی ملی هستند (میلر، ۱۳۸۳: ۴۸). از نظر وی ملت به عنوان اجتماعی با گستره تاریخی و ویژگی متمایزی که برای اعضایش طبیعی است، قابل فهم می‌باشد (میلر، ۱۳۸۳: ۴۲).

نیرن ملت‌ها را «سوژه‌های کلان تاریخی» می‌داند که خود را بسیج کرده، الهام می‌بخشند و به پیش می‌رانند (میلر، ۱۳۸۳: ۱۲۰). اهمیت تاریخ بدان حد است که هابز باوم شکوفا شدن ملت‌ها و ناسیونالیسم را از حدود سال ۱۸۳۰ و به ویژه ۱۸۷۰ در اروپا، مرهون ادبیات و ابداعات تاریخمند تاریخ، اسطوره‌شناسی و نمادپردازی ملی می‌داند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۱۲). ارنست رنان نیز به دنبال توجیه تاریخی و سیاسی فعالانه از ملت است و در این توجیه به «کیش نیاکان» و «گذشته حماسی» اهمیت ویژه‌ای می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۵).

در مورد اهمیت تاریخ در ملت‌سازی، مارکس و انگلس بسیار پیش رفته و فقط ملت‌های بزرگ و تاریخی را - که از دیدگاه آن‌ها شامل آلمان، لهستان، مجارستان و ایتالیا می‌باشد - دربردارنده معیارهای لازم برای تشکیل دولت ملی پایدار می‌دانند (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۴۴). از نظر تاریخ‌گرایان، تاریخ یگانه راه فهم روح اجتماع است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۲).

به طور کلی در نظریات پیدایش ملت از سوی سه گروه از صاحب‌نظران این حوزه، اهمیت تاریخ، گرچه با شدت و ضعف، در کل مورد توجه می‌باشد. جاویدانگاران بیش از همه به تاریخ اهمیت داده‌اند. آن‌ها ملت‌ها را پدیده‌ای تاریخی می‌دانند؛ پدیده‌هایی که در طول قرون به وجود آمده‌اند و خصوصیات ذاتی آن‌ها عمدتاً تغییری نکرده است (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۹۰). هر چند مدرنیست‌ها ملت‌ها را پدیده‌هایی نو می‌دانند و به نقش و جایگاه تاریخ در پیدایش ملت‌ها (هر چند به صورتی ضعیف) توجه دارند، به دیگر سخن پرداختن به گذشته را برای به وجود آمدن ملت‌ها در عصر جدید ضروری قلمداد می‌کنند. نمادپردازی قومی نیز در این بین جایگاه برجسته‌ای دارد. هدف آن‌ها آشکارکردن میراث نمادین هویت‌های قومی ماقبل مدرن برای ملت‌های امروزی است. از نظر آرمسترانگ، شکل‌گیری ملت‌ها را باید در بلندمدت، یعنی بعد چند قرنی بررسی کرد. هاپچینس هم اعتقاد دارد نمی‌توان ملت‌های امروزی را به درستی درک کرد بی‌آنکه نیاکان آن‌ها را در نظر گرفت (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

اسمیت، برجسته‌ترین اندیشمند این رویکرد، بیان می‌کند که جهان به اجتماعات و ملت‌هایی تقسیم شده است که دارای سرزمین، تاریخ و سرنوشت‌های خاص خودشان

هستند. این‌ها باورهایی‌اند که به ندرت از سوی بیشتر مردم مورد تردید قرار گرفته‌اند و به آن چیزی شکل می‌دهند که اسمیت آن‌ها را «آداب و رسوم مقدس ملت» می‌نامد؛ این آداب و رسوم عبارت‌اند از:

۱. اعتقاد به برگزیدگی قومی؛
 ۲. دلبستگی به سرزمین مقدس، تقدس یافته به وسیله وطن آبا و اجدادی، سنت‌ها، قهرمانان و فرزندان و همچنین به وسیله آرامگاه‌ها و بناهای تاریخی؛
 ۳. خاطرات مشترک از دوره‌های طلایی؛
 ۴. کیش «مردگان باشکوه» و از خودگذشتگی و ایثار حماسی (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۸۷).
- فرضیه اسمیت درباره هویت‌های ملی بر این است که هر جا این چهار شاخصه مقدس وجود داشته و به صورتی گسترده در میان جمعیت قومی - ملی اشاعه یافته باشد، هویت ملی قدرتمند بوده، همچنان استمرار خواهد داشت؛ و بر عکس هر جا بیش از یکی از این خصوصیات مقدس کم بوده یا اصلاً نباشد، قدرت هویت ملی به همان نسبت تضعیف خواهد شد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۸۸). نکته قابل توجه آن است که فرهنگ و هویت هنگامی موجب پیدایش ملت و در مرحله بعد کشور می‌شود که مردم به آن آگاهی داشته باشند. در صورتی که به هویت ملی آگاهی وجود نداشته باشد یا اینکه این آگاهی به صورت ناقص و سطحی باشد، از ایفای نقش خود در پیدایش و حفظ کشور باز خواهد ماند و لازمه این امر آموزش است.

آموزش و هویت

همان‌گونه که گفته شد، هویت زمانی به تشکیل ملت می‌انجامد که خودآگاهی وجود داشته باشد. نکته قابل توجه چگونگی آشنایی اجتماع با هویت خود است. بدیهی است که از زمان پیدایش دولت مدرن، این امر از سوی دولت‌ها به گستردگی پیگیری شده است. امروز هم با وجود کاهش قدرت انحصاری دولت‌ها در هدایت روندهای موجود در درون مرزهای خود، از جمله آموزش، باز هم در این زمینه بازیگر اصلی به شمار می‌آید. چپستی و چگونگی آموزش در مدارس، انعکاسی از اولویت‌های فرهنگ خاص و نشان‌دهنده تمایل به القای آن اولویت‌ها به نسل در حال رشد است (میلر، ۱۳۸۳: ۱۱۱). از مهم‌ترین اولویت‌های حکومت، حفظ تمامیت ارضی کشور است. حکومت‌ها این وظیفه را با تمام ابزارهایی که در دست دارند انجام می‌دهند؛ از جمله این ابزارها آموزش است. یکی از اهداف آموزش رسمی که به وسیله دولت‌ها به صورت آزاد یا با

یارانه‌های عمومی تدارک می‌شود، ایجاد احساس هویت و آرمانی مشترک است که به صورت آرام و تدریجی منتقل می‌شود (بلک‌سل^۱، ۲۰۰۶: ۶۰).

نظریه‌های مختلف دربارهٔ پیدایش ملت و نیز ملیت‌خواهی، به نقش و جایگاه آموزش در هویت ملی تأکید دارند. به گفتهٔ اسمیت از نگاه ناسیونالیست‌ها، باید فرهنگ مردم را از طریق آموزش عمومی باز کشف کرده، روح ملت را از عشق ملی پر کرد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۲). همچنین از نظر گلنر، ملت‌ها تجلیات «فرهنگ عالی» تحصیل‌کردگان و انتقال‌یافته از طریق مدرسه هستند که از سوی متخصصان و با نظام آموزش همگانی، توده‌ای، استاندارد و اجباری حمایت می‌شوند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۷۲). از نظر اسمیت امروزه فرصت‌های رسیدن به همبستگی بیشتر شده؛ زیرا وسایل ارتباط جمعی، فنون تبلیغات و آموزش همگانی به نخبگان دولتی این امکان را می‌دهند تا ارزش‌ها، احساسات و باورهای مشترک را القا کنند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

روکان و اروین پیوندهای میان هویت و آگاهی و آنچه آن‌ها آن را سرزمین مقدس می‌خوانند، کشف کرده‌اند. آن‌ها ادعا می‌کنند که هویت می‌تواند حداقل در چهار جزء تقسیم شود که عبارت‌اند از: اسطوره، نماد، تاریخ و عوامل نهادی که شامل سازمان‌های آموزشی می‌شود. این‌ها به پیشرفت جنبه‌های گوناگون زبان، فرهنگ و در نتیجه به تقویت حس هویت کمک می‌کنند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۷).

بنابراین مشاهده می‌شود که آموزش نقش مهمی در شناساندن هویت ملی برعهده دارد. بدون داشتن نظام آموزشی هدفمند و استوار در معرفی عناصر هویت ملی که تمام اجزای ملت را پوشش می‌دهد، مردم یک کشور از دو جنبه دچار مشکل می‌شوند: یکی آسیب‌پذیری در برابر تهاجم سایر فرهنگ‌ها و دیگری تضعیف احساس تعلق و همبستگی ملی است که در این نوشتار، مورد دوم محور بحث می‌باشد. بدیهی است عدم انتقال عناصر هویت ملی از طریق آموزش رسمی به جوانان یک کشور، آن را در بلندمدت از ابعاد گوناگون، از جمله همبستگی ملی با چالش روبه‌رو می‌سازد. در ادامه این مبحث در مورد ایران بررسی می‌شود.

پیوند تاریخ با هویت ایرانی

هویت ایرانی در نگاه نخست کلیتی است مرکب از دو مقولهٔ ملی و مذهبی: جنبهٔ ملی آن از تاریخ ایران پیش از اسلام سرچشمه گرفته و توانسته است در دورهٔ اسلامی نیز به

1. Blacksell

حیات خود ادامه دهد؛ جنبه دینی آن با ورود اسلام به ایران آغاز شده و با ظهور صفویان صبغه مذهبی یافته است. این امر باعث شد ایرانیان با وجود پذیرش اسلام، خود را از ملت‌های پیرامونشان تحت عنوان مذهب تشیع جدا انگارند. در درون این چارچوب کلی، ویژگی‌هایی مانند سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، آداب و رسوم و آیین‌های مشترک، قهرمانان و شخصیت‌های تاریخی مشترک، افسانه‌ها و اساطیر مشترک و... عمق و ویژگی خاصی به هویت ایرانی بخشیده است. گوبینو، اندیشمند غربی، در مورد ایران و هویتش اعتقاد دارد که:

ملت ایران از اقوام مختلفی پدید آمده است که هر یک به هویت خود آگاهی داشته و در قالب ملت ایران پاسدار آن است. فرهنگ و منافع اقوام در طول تاریخ به هم تنیده شده و شبکه عمومی پدید آمده است و ملت ایران بر پهنه این شبکه مشترک در تلاش است. ملت ایران از گذشته دیرین خود، حتی در اواسط قرن نوزدهم به رغم نبود آموزش همگانی و وسایل ارتباط جمعی، آگاهی داشته و به آن می‌بالیده است. ایرانیان به میهن و سرزمین اجدادی آگاهی داشته و بدان مهر جاودانه ورزیده‌اند. مهرورزی ایرانیان به میهن خود تنها به عنوان زیستگاه و زادگاه نبوده، بلکه به خاطر هم‌میهنان نیز بوده است (شیخاوندی، ۱۳۶۸: ۴۸).

از این جهت با توجه به صبغه تاریخی هویت ایرانی، حماسه‌ها و قهرمانان تاریخی در تکوین هویت ایرانی، انتقال و استمرار تاریخی آن کارکرد مشترکی را به ظهور رسانیده‌اند؛ برای نمونه شاهنامه فردوسی، گرانمایه‌ترین اثر منظوم فارسی و بزرگ‌ترین انتقال‌دهنده اسطوره‌ها و حماسه‌های ایرانی، آمیزه‌ای از «خرد»، «دانایی» و «داد»، سه ضلع مثلث هویت ایرانی است. خرد و دانایی گوهرهایی هستند که موجبات خلوص و تطهیر هویت ایرانی را فراهم ساخته‌اند؛ یعنی با تکیه بر این دو گوهر به مثابه منابع تغذیه، هویت ایرانی در پهنای این سرزمین همواره بالنده مانده است. همچنین آموزه داد و دادگری، رمز بقا، پایداری و استواری هویت ایرانی بوده است (دیلم‌صالحی، ۱۳۸۵: ۱۶-۲۲). از همین رو بسیاری از آداب، آیین‌ها و جشن‌های ایرانی در درون این اسطوره‌ها و حماسه‌ها معنا پیدا می‌کنند. علاوه بر این، نقاط عطف تاریخی که در درون خود حاوی حماسه‌ها، قهرمانان، پیروزی‌ها، یادمان‌ها، شخصیت‌های برجسته و آثار مادی و معنوی فراوانی هستند، نقش بارزی در شکل‌دهی به هویت ایرانی دارند؛ از جمله مهم‌ترین برهه‌های تاریخی که بیش از دیگر مقاطع، در شکل دادن هویت ملی اثرگذار بوده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مهاجرت آریایی‌ها

حرکت اقوام مختلف آریایی به سرزمین ایران در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد که همراه با حماسه‌ها، قهرمانان و اسطوره‌های مختلفی است، یکی از بنیان‌های اصلی هویت ایرانی را شکل می‌دهند. از ویژگی‌های بارز این بخش از عناصر هویت ملی، شمول آن بر تمام اجزای ملت ایران است.

هخامنشیان

تشکیل حکومت هخامنشی از جمله مهم‌ترین مقاطع تاریخ ایران است که تأثیری ژرف در هویت و فرهنگ ایرانی باقی گذاشته است؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: خوش‌رفتاری کوروش با مردمان سرزمین‌های فتح‌شده که نمونه بارز آن منشور حقوق بشر وی است (منشور کوروش هخامنشی، ۱۳۸۰)؛ تمجید از وی در تورات (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۰) و نیز کتابی با عنوان کوروپدی (تربیت کوروش) نوشته گزنغون که کوروش را در آن پادشاهی آرمانی معرفی کرده است (لاکهارت، و بویل، ۱۳۶۳: ۱۶)؛ آغاز بنای عظیم تخت جمشید در زمان داریوش؛ گسترش قلمرو ایران در زمان وی؛ احداث راه‌های ارتباطی وسیع و چاپارخانه‌های منظم؛ سازمان‌های دقیق کسب اطلاعات و رساندن آن‌ها به مرکز؛ ادارات منظم؛ ضرب سکه؛ ارتش نیرومند و قوانین پیشرفته (صفا، ۱۳۷۶: ۲۵)؛ پدید آوردن نظام اداری کشور به مفهوم مدرن آن (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۵)؛ حفر کانال بین دریای سرخ و رود نیل به دست داریوش (طرح اولیه کانال سوئز) (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۱) و ...

اشکانیان

تأثیر حکومت اشکانیان در شکل‌گیری هویت و فرهنگ ایرانی نیز از این قرار است: بیرون راندن سلوکیان اشغالگر از ایران؛ جمع‌آوری متون پراکنده اوستا، کتاب مقدس ایرانیان در دوره پادشاهی بالاش اشکانی؛ شکل‌گیری بخش عمده‌ای از داستان‌های ملی و حماسی ایرانیان (شاهنامه) در این دوره؛ متوقف ساختن فتوحات شرقی رومیان و اسیر کردن امپراتور روم به دست ایرانیان (صفا، ۱۳۷۶: ۳۹-۳۶) و ...

ساسانیان

تشکیل حکومت ساسانی هم اثری عمیق در فرهنگ و هویت ایرانی برجای گذاشت؛ از آن جمله است: رسمی شدن دین زرتشتی که به جامعه ایرانی دوره ساسانی وحدت

بخشید (کیرستین سن، ۱۳۷۸: ۶۰)؛ تکمیل گردآوری اوستا در دوره ساسانی با استفاده از متون پراکنده اوستای دوره اشکانی (کیرستین سن، ۱۳۷۸: ۱۰۰)؛ پیدایش عنوان سیاسی ایرانشهر در میانه قرون ساسانی برای نامیدن سرزمین‌های ایرانی ساسانی که مفهوم سرزمین سیاسی «کشور» را در قیاس مفاهیم مدرن جغرافیای سیاسی پدید آورد (مجته‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۵)؛ ایجاد ستون‌های مرزی میان ایران و توران در دوران بهرام گور ساسانی (۴۲۰-۴۳۸ م.) که به نوعی کارکردهای مرز را در دوران مدرن دارا بود (مجته‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۱)؛ استحکام بخشیدن به تشکیلات اداری و حکومتی به دست خسرو انوشیروان که موجب تداوم نظام دیوانی آن‌ها تا سال‌ها پس از سقوط ساسانیان در دوره اسلامی توسط خلفای عباسی و در مرحله بعد دوره صفویه شد (صفا، ۱۳۷۶: ۵۴)؛ وجود شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی برجسته ایرانی در این دوره و ...

صفویان

آثار به جای مانده از حکومت صفویه در فرهنگ و هویت ایرانی نیز چنین است: احیای دوباره ایران از نظر سیاسی و سرزمینی؛ ایجاد حکومت متمرکز و مقتدر؛ رسمی شدن مذهب تشیع (سیوری، ۱۳۷۲: ۲۶)؛ جلوگیری از مستحیل شدن ایران در امپراتوری عثمانی؛ ایجاد ارتش دائمی در زمان شاه عباس و ...

انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه هم در شکل‌گیری هویت ایرانی تأثیر بسزایی داشت: پیشرو بودن ملت ایران به رهبری علما و روشنفکران برای دستیابی به قانون و عدالت؛ تأسیس نخستین دولت ملی در میان کشورهای منطقه؛ دخالت نواحی قومی، به ویژه آذربایجان در طرح سیاسی ملی و ...

انقلاب اسلامی

تأثیر انقلاب اسلامی در شکل‌گیری هویت و فرهنگ ایرانی نیز به شرح زیر است: تأسیس حکومت بر اساس فرهنگ مذهبی - ملی (تشیع)، اصل ولایت فقیه؛ استقلال کشور از دیگر قدرت‌ها؛ حفظ تمامیت ارضی در جنگ هشت‌ساله؛ قهرمانان و شخصیت‌های سیاسی و نظامی؛ پایه‌گذاری مردم‌سالاری دینی؛ الهام‌بخشی در جهان اسلام؛ دستیابی به پیشرفت‌های شگرف در ابعاد مختلف و ...

به همین سبب است که اسمیت، از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان ناسیونالیسم معاصر،

در تبیین نظریهٔ نمادپردازی قومی خود^۱ از استمرار تاریخی ایران سود جستته است. وی به تاریخ ایران در عصر هخامنشی، ساسانی و مهم‌تر از همه احیای ایران تاریخی در دورهٔ صفویه (۱۵۰۱-۱۷۲۲م.) توجه دارد و می‌گوید: حس هویت و برگزیدگی ایرانی که در تجدید و احیای زبان فارسی در سده‌های دهم و یازدهم شکوفا شد، در سده‌های بعدی به تعداد اندکی از نخبگان باسواد محدود ماند؛ ولی با ظهور صفویه و احیای سیاسی و فرهنگی ایران در قالب مذهب تشیع، هویت ایرانی به صورت گسترده‌ای با مذهب تشیع گره خورد و در نهایت در عصر جدید با پایه‌گذاری حس همبستگی ایرانی به شکل سیاسی در جنبش مشروطه (۱۲۸۵) ظاهر شد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۵۲ و ۱۵۳). بنابراین، تاریخ نقش اساسی در شکل دادن به هویت ایرانی ایفا کرده و مطالعهٔ هویت ایرانی بدون مطالعهٔ تاریخ آن بی‌ثمر است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیل محتوا، ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و شیوهٔ آزمون و تجزیه و تحلیل فرضیه از نوع کیفی است. به عبارت دیگر با توجه به نقش بارز آموزش در رشد آگاهی‌های تاریخی و هویت ملی، تحقیق حاضر بر آن است تا انعکاس مؤلفه‌های هویت‌ساز تاریخ ایران را در کتب تاریخ مقطع دبیرستان در گرایش‌های مختلف بررسی و تحلیل نماید. به این صورت که ابتدا برخی از اساطیر، رویدادها، شخصیت‌ها و نقاط عطف تاریخ ایران که به نوعی در شکل‌گیری هویت ملی تأثیرگذار بوده‌اند، در قالب جدول‌های مشخصی معرفی، سپس با میزان و شیوهٔ معرفی این عناصر در کتاب‌های درسی تاریخ دورهٔ دبیرستان در مقطع زمانی سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ مقایسه می‌شوند؛ آن‌گاه با استفاده از نتایج به دست آمده فرضیهٔ مذکور ارزیابی می‌شود.

بررسی محتوای کتب تاریخ دبیرستان

در این ارزیابی لازم بود با توجه به نقش برجستهٔ تاریخ در شکل‌دهی به هویت ملی در ایران، برخی از عناصر و رویدادهای تاریخی مانند اساطیر، حماسه‌ها، قهرمانان، نقاط عطف تاریخی، دوره‌های طلایی، جنگ‌ها، آثار مادی و معنوی، رویدادها، باورها و آیین‌های کهن مؤثر در شکل‌گیری هویت ایرانی معرفی شوند. با در نظر گرفتن این

1. Ethno-Symbolism

نکته که در اینجا مجال بسط کامل آن‌ها وجود ندارد، لذا سعی شده است خلاصه‌ای از این موارد در قالب جدول زیر ارائه شود.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های هویت ملی در تاریخ ایران

مؤلفه‌های هویت	نمادهای این مؤلفه‌ها در تاریخ ایران
قهرمانان	قهرمانان اساطیری شاهنامه مانند فریدون، ایرج، کارن، گودرز، گیو، بیژن، رستم، فرهاد، آرش، کاوه آهنگر و... قهرمانان تاریخی مانند کورش، اشک، آریوبرزن، آتروپات، سورن، اردشیر بابکان، بابک، ابومسلم، شاه اسماعیل، امیرکبیر، ستارخان و باقرخان، مصدق، امام خمینی و شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی و...
شخصیت‌ها و فرزندان	زرتشت پیامبر ایران باستان، بزرگمهر، مانی، مزدک و... دانشمندان مختلف دوره اسلامی مانند ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، خیام و...
باورها، آیین‌ها و سنت‌های کهن	یکتاپرستی، عدالت‌جویی، انسانیت، دشمن‌ستیزی، عید غدیر خم، نیمه شعبان، سوگواری‌های محرم، جشن‌های نوروز، مهرگان، یلدا، چهارشنبه‌سوری، سیزده بدر و... سنت‌هایی مانند سفره هفت‌سین، دید و بازدید در روزهای عید، آیین‌ها و جشن‌های مختلف مردم مانند عروسی و... نمایش‌های مختلف مانند نقالی، پرده‌خوانی، شاهنامه‌خوانی، شبیه‌خوانی و...
بناهای تاریخی و آرامگاه‌ها	شهر سوخته، تخت جمشید، پاسارگاد، نقش رستم، تخت سلیمان، طاق بستان، معبد آناهیتا، و صدها اثر دیگر از دوره باستان، قلعه بابک، مجموعه آثار دوره صفوی در اصفهان و سایر شهرها و صدها اثر دیگر، بارگاه امام رضا(ع)، حضرت معصومه و... بقعه شیخ صفی، مدفن شاهان بزرگ صفوی مانند شاه اسماعیل و نیز مدفن شهدای جنگ چالدران در همان بقعه، یادبودها و مناطق عملیاتی دفاع مقدس و...
تمدن‌های کهن	ایلام، سیلک کاشان، شهر سوخته، جیرفت، و دیگر تمدن‌های مختلف قبل از آریایی‌ها، ماد، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان.
افسانه و حماسه	افسانه‌های مختلف شاهنامه، جنگ‌های چندین صد ساله ایران، یونان و روم، رویدادهای انقلاب اسلامی، حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس.
دوران طلایی	هخامنشیان (دوره کوروش و داریوش)، اوایل دوره ساسانی به خصوص زمان خسرو انوشیروان از نظر قدرت و اقتدار حکومت، بالندگی علمی و فرهنگی ایرانیان بعد از پذیرش اسلام به خصوص در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، پیدایش سلسله صفوی و پیروزی انقلاب اسلامی.
نقاط عطف تاریخ ایران	مهاجرت آریایی‌ها به سرزمین ایران در هزاره دوم پیش از میلاد، تشکیل اولین حکومت فراگیر از سوی مادها به ریاست دیاکو، تأسیس سلسله هخامنشیان توسط کوروش و نیز زمان داریوش، تأسیس سلسله اشکانیان توسط اقوام آریایی پارت‌ها و بیرون راندن سلوکیان از ایران، تأسیس سلسله ساسانی و رسمی شدن دین زرتشتی، تأسیس سلسله صفوی و پیدایش حکومت ملی و رسمی شدن مذهب تشیع، انقلاب مشروطه، ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس.

پس از بیان برخی عناصر مؤثر در شکل‌گیری هویت ایرانی، لازم است میزان و شیوه انعکاس آن‌ها در کتب تاریخ دوره دبیرستان «تاریخ ایران و جهان ۱ و ۲»،

«تاریخ‌شناسی» در علوم انسانی و «تاریخ معاصر ایران»، در مقام بخش مهمی از مجاری انتقال و آگاه‌سازی مردم، به ویژه جوانان با هویت ملی در رشته‌های نظری تجربی، ریاضی، و رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش بررسی شود؛ لذا در اینجا سعی شده است محتوای کتب تاریخ در حال تدریس در مقطع دبیرستان از منظر انعکاس مؤلفه‌های هویت‌ساز تاریخی در قالب جداول زیر نشان داده شود:

جدول شماره ۲: تاریخ ایران و جهان ۱

مؤلفه‌ها	تاریخ ایران	کتاب تاریخ ایران جهان ۱ (۱)
قهرمانان	قهرمانان مختلف شاهنامه مانند فریدون، ایرج، کارن، گودرز، گیو، بیژن، رستم، فرهاد، آرش، کاوه آهنگر و... قهرمانان تاریخی مانند کوروش، اشک، آریوبرزن، آتروپات، سون، اردشیر بابکان، بابک و ابومسلم.	آریوبرزن، سون.
شخصیت‌ها	زرتشت پیامبر ایران باستان، بزرگمهر، مانی، مزدک و... دانشمندان مختلف دوره اسلامی مانند ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، خیام و... .	زرتشت، بزرگمهر، مانی، مزدک. برخی از دانشمندان مختلف دوره اسلامی مانند ابوریحان بیرونی و... .
سنت‌های کهن	جشن‌ها: نوروز، مهرگان، یلدا، چهارشنبه‌سوری، سیزده بدر، عید غدیر خم، نیمه شعبان و... سنت‌هایی مانند سفره هفت‌سین، دید و بازدید در روزهای عید، آیین‌ها و جشن‌های مختلف مردم مانند عروسی و... نمایش‌هایی مانند نقالی، پرده‌خوانی، شاهنامه‌خوانی، تعزیه و... .	هیچ مطلبی نیامده است. فقط گفته شده که جشن نوروز در تخت جمشید برگزار می‌شد.
آثار و بناهای تاریخی و آرامگاه‌ها	شهر سوخته، تخت جمشید، پاسارگاد، مشور کوروش، کتیبه بیستون، نقش رستم، احداث کانال بین دریای سرخ و رودخانه نیل، تخت سلیمان، طاق بستان، طاق کسری، معبد آناهیتا، شیر سنگی همدان، فرش پازیریک و صدها اثر دیگر از دوره باستان، آثار مقاومت و از جان گذشتگی ایرانیان مانند قلعه بابک و... ، بارگاه امام رضا(ع) و حضرت معصومه و... .	شهر سوخته، تخت جمشید، پاسارگاد، کتیبه بیستون، طاق کسری، کاخ سروستان فارس از دوره ساسانیان، شیر سنگی همدان، فرش پازیریک.
تمدن‌های کهن	ایلام، سیلک کاشان، شهر سوخته، جیرفت، و دیگر تمدن‌های مختلف قبل از آریایی‌ها، ماد، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان.	ایلام، سیلک کاشان، شهر سوخته، جیرفت، و دیگر تمدن‌های مختلف قبل از آریایی‌ها، ماد، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان.
افسانه و حماسه	افسانه‌های مختلف شاهنامه، جنگ‌های چندین صد ساله ایران و روم.	شکست کراسوس به دست سون.

دوران طلایی	هخامنشیان (دوره کوروش و داریوش)، اوایل دوره ساسانی به خصوص زمان خسرو انوشیروان از نظر قدرت و اقتدار حکومت، بالندگی علمی و فرهنگی ایرانیان در قرن‌های چهارم و پنجم هجری.	هر چند این دوره‌ها در کتاب آمده، تأکید خاص بر طلایی بودن آن‌ها نمی‌شود؛ به عبارت دیگر با ادبیاتی خنثی مطالب ایراد شده است. بالندگی علمی و فرهنگی ایران.
نقاط عطف تاریخ ایران	مهاجرت آریایی‌ها به سرزمین ایران در هزاره دوم ق. م، تشکیل اولین حکومت فراگیر توسط مادها به رهبری دیاکو، تأسیس سلسله هخامنشیان توسط کوروش و نیز دوره پادشاهی داریوش، ایجاد کشور به مفهوم مدرن آن، تأسیس سلسله اشکانیان توسط اقوام آریایی پارت‌ها و بیرون راندن سلوکیان از ایران، تأسیس سلسله ساسانی و رسمی شدن دین زرتشت، به‌کارگیری واژه ایران‌شهر برای سرزمین ایران، پیدایش مفهوم مرز در این دوره و... .	مهاجرت آریایی‌ها به سرزمین ایران در هزاره دوم ق. م، تشکیل اولین حکومت فراگیر توسط مادها به رهبری دیاکو، تأسیس سلسله هخامنشیان توسط کوروش و نیز دوره پادشاهی داریوش، ایجاد کشور به مفهوم مدرن آن، تأسیس سلسله اشکانیان توسط اقوام آریایی پارت‌ها و بیرون راندن سلوکیان از ایران، تأسیس سلسله ساسانی و رسمی شدن دین زرتشت، به‌کارگیری واژه ایران‌شهر برای سرزمین ایران، پیدایش مفهوم مرز در این دوره و... .

جدول شماره ۳: کتاب تاریخ ایران و جهان (۲)

مؤلفه‌ها	تاریخ ایران	کتاب تاریخ ایران و جهان (۲)
قهرمانان	شاه اسماعیل، امیرکبیر، ستارخان و باقرخان، مصدق، امام خمینی، شهدای جنگ تحمیلی و...	امیرکبیر، ستارخان، باقرخان، مصدق، امام خمینی، شهدای جنگ تحمیلی.
شخصیت‌ها	شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی.	-
سنت‌های کهن	آداب و رسوم مختلف.	-
بناهای تاریخی و آرامگاه‌ها	مجموعه آثار دوره صفوی در اصفهان و سایر شهرها و صدها اثر دیگر، بقعه شیخ صفی به عنوان بنای تاریخی و مدفن شاهان بزرگ صفوی مانند شاه اسماعیل و نیز مدفن شهدای جنگ چالدران در همان بقعه و...	مسجد شاه در میدان نقش جهان اصفهان.
حماسه‌ها	رویدادهای انقلاب اسلامی، حماسه آفرینی‌های مختلف رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس.	تا حدودی انعکاس یافته است.
دوران طلایی یا پیشرفت‌ها	گسترش زبان فارسی، پیدایش سلسله صفوی (از نظر رسمی شدن تشیع و پیدایش حکومت ملی).	-
نقاط عطف تاریخ ایران	تأسیس سلسله صفوی و پیدایش حکومت ملی و رسمی شدن مذهب تشیع، انقلاب مشروطه، ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی.	با اینکه در مورد صفویان و انقلاب مشروطه و نیز مبارزات برای ملی شدن نفت توضیحات خوبی آورده شده، تأکیدی خاص بر این دوره‌ها به عنوان نقطه عطف تاریخ ایران صورت نمی‌گیرد، انقلاب اسلامی.

جدول شماره ۴: کتاب تاریخ‌شناسی

مؤلفه‌ها	موارد منعکس شده
قهرمانان	قهرمانان شاهنامه.
شخصیت‌ها	فردوسی، بیهقی، خواجه نصیرالدین طوسی، عیبد زاکانی و برخی از شخصیت‌های علمی مانند خیام که تقویم را اصلاح کرد.
سنت‌های کهن	برخی از آیین‌ها و سنت‌ها، مانند اجرای نمایش‌های قتل گنومات و سوگ سیاوش، پرده‌خوانی، شاهنامه‌خوانی، شبیه‌خوانی.
آثار تاریخی	تخت جمشید، نقش رستم، طاق بستان.
افسانه و حماسه	شرح تاریخ حماسی ایران بر اساس شاهنامه فردوسی.
تمدن‌های کهن	جیرفت، شهر سوخته، قدمت نام خلیج فارس.
دوران طلایی	معرفی دوره پادشاهی جمشید به عنوان دوره طلایی افسانه‌ای.
نقاط عطف	—

جدول شماره ۵: تاریخ معاصر ایران

مؤلفه‌ها	موارد منعکس شده
قهرمانان	امیرکبیر، ستارخان و باقرخان، مصدق، امام خمینی، شهدای جنگ تحمیلی.
شخصیت‌ها	—
سنت‌های کهن	—
آثار تاریخی و آرامگاه‌ها	—
حماسه	رویدادهای انقلاب اسلامی، حماسه‌های دوران دفاع مقدس.
تمدن‌های کهن	—
دوران طلایی	پیروزی انقلاب اسلامی و پایه‌گذاری شیوه نوینی برای اداره کشور با الهام از مذهب تشیع.
نقاط عطف	انقلاب مشروطه، ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی.

با وجود تمام مسائلی که در این کتاب گفته شده است، ضعف اصلی همچنان باقی است. کتاب تاریخ معاصر همان گونه که از نامش پیداست، فقط بخشی از تاریخ ایران را شامل می‌شود و دانش‌آموزانی که در رشته‌هایی غیر از علوم انسانی تحصیل می‌کنند، عملاً این امکان را نمی‌یابند تا با تاریخ پرشکوه ایران و تمامی آن مؤلفه‌هایی که در جدول مؤلفه‌های هویت ایرانی آمده، آشنا شوند. ضمن اینکه نگاهی به محتوای جداول ۲، ۳ و ۴ نشان می‌دهد که عناصر هویت‌ساز تاریخی با هدف تقویت ملی‌بازتاب مؤثری در کتب درسی مورد بحث نداشته است. این امر می‌تواند چالش‌های بنیادینی را برای کشور ایجاد نماید که در ادامه از آن سخن گفته می‌شود.

تجزیه و تحلیل

در بررسی کتاب‌های تاریخ دوره دبیرستان از نظر انعکاس رویدادهای هویت‌ساز تاریخ دیرین کشور، دو نکته مشخص نمودار است: نخست بیان خنثی رویدادهای تاریخی و نبود رویکرد تحلیلی و هویت‌ساز در بیان تاریخ ملی؛ دوم عدم پوشش همه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان از نظر آشنایی با تاریخ ملی.

مشکل اول: در کتاب تاریخ ایران و جهان ۱ (جدول شماره ۲)، بیشتر نوشته‌های مربوط به ایران با بیانی خنثی و مانند درس‌های دیگر مناطق همچون چین و هند و... بدون درگیر کردن احساسات بیان شده است. درس هخامنشیان، با اینکه این سلسله را بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان معرفی می‌نماید، در پرداختن به مؤلفه‌های هویت‌ساز این دوره تا حدود زیادی باز می‌ماند؛ به طوری که خواننده از مطالب کتاب آن طور که باید احساس غرور و افتخار نمی‌کند و برای پیگیری رویدادهای تاریخی با مطالعه بیشتر هیچ رغبتی نمی‌یابد. برای نمونه بعد از توضیحی کوتاه در مورد شخصیت کوروش و هدفش از حمله به بابل، هنگامی که دلایل نارضایتی مردم بابل را از نبونید (شخصی منفور و ستمگر) شرح می‌دهد، اشاره می‌کند که این دلایل را هنگام سقوط هخامنشیان نیز در نظر داشته باشند (تاریخ ایران و جهان ۱، ۱۳۸۵: ۵۸)؛ این سخن تاحدودی از همان آغاز حس منفی به هخامنشیان، به ویژه شخص کوروش در خواننده برمی‌انگیزد. در قسمت «فکر کنید و پاسخ دهید» صفحه ۵۹ می‌پرسد: «با توجه به آنچه در دوره راهنمایی خوانده‌اید بگویید فرجام کوروش چگونه خواهد بود؟» هر چند در ظاهر امر ایرادی بر این پرسش نمی‌توان وارد آورد، با توجه به اینکه کوروش یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ ایران بوده است و شهرت جهانی دارد، سؤالات بسیاری می‌توانست به جای این پرسش مطرح شود و حس احترام خواننده را برانگیزد. وقتی از حمورابی در درس سوم صحبت می‌شود، بخشی از قانون‌نامه وی نیز برای آشنایی دانش‌آموزان آورده شده؛ در حالی که در درس هخامنشیان اثری از منشور حقوق بشر کوروش نیست. در مورد داریوش نیز با اینکه توضیحات مفیدی در خصوص اقدامات وی داده شده است، در برخی جاها انشای متن مناسب نیست؛ برای مثال در مورد مرگ داریوش - با تمام تأثیرگذاری‌اش در تاریخ ایران - چنین می‌آید: «او قصد داشت سال بعد دوباره به یونان لشکرکشی کند؛ اما بعد از مدتی مُرد.» (تاریخ ایران و جهان ۱، ۱۳۸۵: ۶۱). درخور توجه است که در همین کتاب در درس بیست در مورد مرگ تیمور چنین نوشته شده است: «در بین راه در شهر اترار از دنیا رفت.» (تاریخ ایران و جهان ۱، ۱۳۸۵: ۱۸۰).

در مورد اشکانیان با اینکه مطالب مفیدی آمده، اما نحوه بیان تغییری نکرده است (همان بیان خنثی که بیشتر بدان اشاره شد). اهمیت پیروزی اشکانیان بر سلوکیان که نقطه‌ای عطف در تاریخ ایران تلقی می‌شود، برجسته نشده و نیز به پیروزی‌های اشکانیان بر رومیان در مقام امپراتوری غربی توجه درخور نشده است.

در مورد ساسانیان نیز با وجود ایراد مطالب مفید، بر مسئله تمرکز قدرت به دست ساسانیان و انتخاب آیین زرتشتی در مقام آیین رسمی کشور - امری که در تاریخ ایران از نظر دخالت دادن دین در سیاست اهمیت بسیاری دارد - تأکید خاصی نمی‌شود. از آداب و رسوم کهن این دوره نیز به مانند دوره‌های گذشته خبری نیست؛ به ویژه در این دوره به انتخاب نام ایرانشهر برای ایران و استحکام نظام نوین کشورداری به عنوان یکی از افتخارات تاریخی ایرانیان بی‌توجهی شده است.

بخش فرهنگ و تمدن ایران (بعد از اسلام تا پایان قرن نهم هجری) که از مفیدترین درس‌های این کتاب در تقویت هویت ملی به شمار می‌روند، به دلیل حجم زیاد کتاب (تاریخ ایران و جهان ۱، ۱۳۸۵: ۱۹۴-۱۸۳)، سال‌های متعددی جزء موارد حذفی اعلام شده است.

در تاریخ ایران و جهان ۲ (جدول شماره ۳)، حکومت صفویان ادامه حکومت‌های پیشین است که طبق معمول مسائل سیاسی آن بدون در نظر گرفتن اینکه این دوره یکی از نقاط عطف تاریخ ایران بوده، توضیح داده می‌شود. در حالی که از شخصیت خوشگذران و فاسد شاه سلیمان و سلطان حسین در چندین سطر صحبت می‌شود، به شخصیت برجسته شاه اسماعیل در گسترش تشیع و احیای ایران و به اهمیت اقدامات ماندگار شاه عباس از نظر کشورداری و مقابله با تهاجمات عثمانی و ازبک‌ها کوچک‌ترین اشاره‌ای نمی‌شود.

با اینکه کتاب تاریخ‌شناسی (جدول شماره ۴) در اصل به معرفی ابزارها و روش‌های بررسی علم تاریخ می‌پردازد، در درس‌های مختلف در مثال‌ها و نمونه‌هایی که آورده است توانسته برخی از مؤلفه‌های هویتی ایرانیان را انعکاس دهد.

کتاب تاریخ معاصر ایران (جدول شماره ۵) چاپ جدید، توانسته تا حدودی ضعف‌های کتاب چاپ ۸۵ و قبل از آن را بر طرف نماید. این کتاب به جای توصیف صرف، به روابط علت و معلولی وقایع نیز پرداخته است. با این حال به مسائلی مانند نقش انقلاب مشروطه در انسجام ملی، شکل دادن به تاریخ مشترک، ظهور قهرمانان مذهبی و ملی، نقش پیشرو بودن ملت ایران در میان ملت‌های منطقه، نقش برجسته

برخی اقوام مانند آذری‌ها در پیدایش و حفظ انقلاب مشروطه توجه کافی نشده است. در مواردی، به برخی سخنان بزرگان مبنی بر لزوم افتخار به انقلاب مشروطه یا آرزوی عظمت ایران اشاره شده که حائز اهمیت است؛ برای مثال در جایی به نقل از مقام معظم رهبری چنین آمده: «هنگامی که عرصه بر مبارزان تبریز در جریان مشروطه تنگ شد، کنسول روسیه به ستارخان پیام فرستاد که بالای خانه‌اش پرچم روسیه را نصب کند تا در امان باشد و او پاسخ داد که من می‌خواهم هفت دولت به زیر بیرق دولت ایران بیایند، من زیر بیرق بیگانه نمی‌روم.» (تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵: ۴۸). همچنین به رویدادهایی از قبیل ملی شدن صنعت نفت، جانفشانی‌های ملت ایران برای مبارزه با استعمار، نقش اتحاد نیروهای مذهبی و ملی برای ملی شدن صنعت نفت، معرفی قهرمانان این دوره مانند دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی برای ایجاد افتخار و آگاهی ملی اشاره شده است. در انعکاس رویدادهای انقلاب اسلامی، مانند قیام پانزده خرداد، واکنش امام خمینی (ره) به لایحه کاپیتولاسیون، فرار شاه، بازگشت امام به ایران، پیروزی انقلاب، تدوین قانون اساسی، غائله‌های قومی، آغاز جنگ تحمیلی، شکل‌گیری بسیج مردمی برای دفاع از کشور و انقلاب، آغاز رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و نیز معرفی شخصیت‌های تأثیرگذار این دوره با رویکرد تقویت هویت ملی مطالب خوبی بیان شده است. هرچند در مورد اهمیت جنگ تحمیلی و جانفشانی‌های ملت ایران و معرفی قهرمانان بزرگ هشت سال دفاع مقدس به مقدار زیادی کوتاهی شده است.

مشکل دوم: بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد از آنجا که در رشته علوم انسانی سه کتاب درباره تمام دوره‌های تاریخ ایران تعلیم داده می‌شود، از نظر انعکاس مؤلفه‌های هویت ملی (همچنان که در بالا ذکر شد با آنکه به سبب نوع بیان و رویکرد غالب از این امر باز می‌ماند) از توانایی و قوه مناسبی برخوردار است؛ در حالی که در سایر رشته‌ها تنها کتاب تاریخ، تاریخ معاصر است و آگاهی‌های تاریخی ناقصی را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند؛ این در حالی است که تعداد دانش‌آموزان رشته انسانی در مقایسه با دیگر رشته‌ها کمتر است.

با توجه به مطالبی که ذکر شد می‌توان گفت که کتاب‌های تاریخ دبیرستان از نظر محتوا و شیوه بیان فاقد محتوای لازم برای معرفی و تقویت تاریخ و هویت ایرانی است. به عبارت دیگر سیاستگذاران و برنامه‌ریزان امر آموزش در کشور از نقش حیاتی آموزش در تقویت هویت ملی و به تبع آن همبستگی ملی غافل مانده‌اند؛ این به معنای از دست دادن فرصت برای تربیت نسلی مصون از تهدیدهای مختلف است.

نتیجه‌گیری

چنان‌که گذشت محتوای کتب تاریخ دوره دبیرستان، فاقد رویکرد و محتوای لازم برای تقویت هویت ملی است. با توجه به حساسیت مسئله هویت ملی در ایران و با در نظر گرفتن موقعیت فرهنگی، ژئوپلیتیک، اجتماعی و سیاسی کشور، کوتاهی در استفاده از تمام امکانات ملی در تقویت و معرفی آن می‌تواند عواقب خطرناکی را برای همبستگی ملی دربر داشته باشد. با وجود این، بی‌توجهی به مقوله هویت ملی در کتب درسی مدارس، در مقام یکی از مهم‌ترین ابزار انتقال هویت ملی جای تأمل دارد. آثار این امر را در بخش‌های مختلف، به ویژه در مورد ضعف آگاهی و تعلق نسبت به هویت ملی می‌توان مشاهده کرد. این امر دلایل مختلفی دارد که توجه به همه موارد از حوصله این بحث خارج است؛ اما آشنا نبودن جوانان با تاریخ و هویت ملی، به ویژه در مناطق پیرامونی کشور می‌تواند یکی از دلایل عمده این مسئله باشد. بدیهی است در چنین اوضاعی عرصه برای نیروهای مختلف برای پاسخ‌گویی به فطرت هویت‌جوی جوانان (در اغلب موارد با القای هویت‌های ساختگی)، به ویژه نخبگانی که وارد دانشگاه‌های کشور می‌شوند، باز می‌ماند. نتایج این بی‌توجهی، به خصوص طی پانزده سال گذشته تا حدودی روشن شده است. در فضای پیش‌آمده، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، نخبگان قومگرا و... توانسته‌اند از عدم آگاهی جوانان کشور به تاریخ و هویت ملی، به ویژه در نواحی پیرامونی سود جسته، با انتقال مباحث و مطالب ساختگی چالش‌هایی را برای هویت ملی ایجاد نمایند. بررسی کتب درس تاریخ جمهوری آذربایجان با هدف تاریخ‌سازی پان‌ترکیستی نمونه‌ای از این واقعیت است (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۴۲۱-۳۸۷). البته لازم است این بررسی در مورد مواد دیگر درسی، مانند دین و زندگی، ادبیات فارسی و جغرافیا نیز انجام گیرد تا این موضوع به طور جامع‌تری روشن شود.

پی‌نوشت

۱. البته در این کتاب اسامی مختلف مانند سورن و کوروش و... آمده؛ اما کتاب آن‌ها را قهرمان معرفی نکرده و تأکید خاصی بر اقدامات برجسته آن‌ها نشده است.

منابع

- اسمیت، آنتونی. دی (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم*؛ ترجمه منصور انصاری؛ تهران: تمدن ایرانی.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)؛ *روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذربایها به ایران*؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- اوزکریملی، اموت (۱۳۸۳)؛ *نظریه‌های قومیت*؛ ترجمه محمد علی قاسمی؛ تهران: تمدن ایرانی.
- دیلم‌صالحی، بهروز (۱۳۸۵)؛ «اسطوره و حماسه دو بنیاد هویت ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*؛ س ۲۷، ش ۳، ۲۴-۳.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)؛ «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*؛ س ۳۰، ش ۲، ۵۲-۲۷.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲)؛ *ایران عصر صفوی*؛ ترجمه کامبیز عزیزی؛ تهران: نشر مرکز.
- شیخاوندی، داور (۱۳۶۸)؛ *زایش و خیزش ملت*؛ تهران: ققنوس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ *جغرافیای سیاسی ایران*؛ تهران: سمت.
- جردن، ج.تری و لستر روانتری (۱۳۸۰)؛ *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*؛ ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- صفا، ذبیح ... (۱۳۷۶)؛ *تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران*؛ تهران: فردوسی.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۸)؛ *ایران در زمان ساسانیان*؛ ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی؛ تهران: صدای معاصر.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۴)؛ *ایران از آغاز تا اسلام*؛ ترجمه محمد معین؛ تهران: علمی و فرهنگی.
- لاکهارت، و دیگران (۱۳۶۳)؛ *تاریخ و میراث ایران*؛ ترجمه اردشیر زندنیا؛ تهران: جانزاده.
- معینی‌علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳)؛ «هویت، تاریخ و روایت در ایران»؛ برگرفته از *مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت*؛ به کوشش حمید احمدی؛ تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- میلر، دیوید (۱۳۸۳)؛ *ملیت*؛ ترجمه داود غرایق‌زندی؛ تهران: تمدن ایرانی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)؛ *دموکراسی و هویت ایرانی*؛ تهران: کویر.
- ----- (۱۳۸۱)؛ *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*؛ تهران: سمت.
- منشور کورش هخامنشی (۱۳۸۰)؛ رضا مرادی غیاث‌آبادی؛ شیراز: نوید شیراز.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)؛ *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*؛ ترجمه دره میرحیدر؛ تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۸۵)؛ *تاریخ معاصر ایران*؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.
- ----- (۱۳۸۵)؛ *تاریخ ایران و جهان ۱*؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.
- ----- (۱۳۸۵)؛ *تاریخ ایران و جهان ۲*؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.
- ----- (۱۳۸۵)؛ *تاریخ‌شناسی*؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.

- Black sell, Mark, (2006); *Political Geography*; London: Rutledge.